

تصمیم

چالش امروز برنامه‌ریزان درسی شیمی

است. در نظام پنج-سه-چهار، طی چهار سال در مجموع ۱۵ ساعت و به طور متوسط سالی ۳/۷۵ ساعت شیمی مقدماتی به فراگیران آموزش داده می‌شود. در حالی که این رقم در نظام جدید به ۲/۳۳ ساعت کاهش یافته است. اگرچه کاهش زمان برای هر سال چندان زیاد به نظر نمی‌رسد ولی با کم شدن یک سال از طول مدت دوره متوسطه، بی‌شک بایستی شاهد کم شدن بخش دیگری از محتوای علمی کتاب‌های درسی این دوره تحصیلی باشیم. روندی که از دو دهه گذشته آغاز شده است و هم‌چنان هم ادامه دارد. روندی که استمرار آن در گام نخست حتی برنامه‌ریزان درسی را با دوگانگی و تردید مواجه می‌سازد و پرسش‌های مهمی را در ذهن آنان به وجود می‌آورد. آیا این روند یک تهدید است یا یک فرصت؟ اگر تهدید است، چگونه می‌توان آن را به یک فرصت مناسب برای بهبود کیفی آموزش شیمی تبدیل کرد؟ و اگر یک فرصت است، چگونه می‌توان جامعه آموزش شیمی کشور را با آن همراه کرد؟ کاهش ناگزیر که بی‌شک خوشایند علاقه‌مندان به دانش شیمی نیست، اگرچه برای شیفتگان به آموزش شیمی که به روش اهمیت بیشتری می‌دهند، رخصتی برای تجربه‌ای نو خواهد بود. به هر حال شرایط دشواری است که به گرفتن تصمیمی بسیار سخت نیاز دارد. در واقع، «بودن یا نبودن، مسئله این است»!

این موضوع مرا به یاد داستانی انداخت که سال‌ها پیش در کتاب فارسی دوم دبستان می‌خواندیم؛ «تصمیم کبری». اگرچه تصمیم شخصیت ماندگار داستان برای روی آوردن به نظم در همه امور، الهام بخش زندگی دانش‌آموزان بسیاری در دهه‌های چهل و پنجاه و از جمله این جانب بود ولی بعدها و در بزرگسالی بود که به ژرفای نام دوپهلویی که نویسنده محترم بر داستان

آغاز سال تحصیلی ۹۶-۹۵ بر همه معلمان گرانقدر، اساتید گرانسنگ و فراگیران پر تلاش عرصه علم و معرفت مبارک باد. امید که سالی سرشار از تلاش منتهی به کامیابی در پیش رو داشته باشید.

سال تحصیلی تازه در حالی آغاز می‌شود که جامعه آموزش شیمی کشور شاهد تغییر چشم‌گیری در آموزش دوره متوسطه است. همان تغییری است که با به خاطر سپرده شدن کتاب شیمی یک آغاز شد و امسال دامن کتاب‌های بعدی را نیز خواهد گرفت. سالی که به‌ویژه برای معلمان شیمی چاشنی تغییر مزه‌ای متفاوت به آن خواهد داد. طعمی که شاید برای شما که شیفته بهبود کیفی آموزش شیمی هستید، بسیار خوشایند باشد!

همان‌گونه که انتظار می‌رفت تغییر ساختار نظام آموزشی کشور از پنج-سه-چهار به شش-سه-سه سرانجام به دوره متوسطه نظری هم رسید. تغییری که این دوره چهار ساله را به دوره‌ای سه ساله تبدیل کرد و آن را دوره «متوسطه دوم» نام نهاد. مطابق جدول مواد درسی و ساعات تدریس هفتگی این دوره که پس از مدت‌ها فراز و فرود سرانجام در نهصد و بیست و ششمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش در تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۰ به تصویب رسید، برای تدریس شیمی سه ساعت به سال دهم، سه ساعت به سال یازدهم و چهار ساعت به سال دوازدهم اختصاص یافته است. در واقع، با این مصوبه طی این سه سال در مجموع ده ساعت برای تدریس درس شیمی در اختیار معلمان خواهد بود.

پرسش مهمی که در نخستین لحظه آگاهی از این موضوع ذهن معلمان و برنامه‌ریزان درسی را به خود درگیر می‌سازد، کاهش چشم‌گیر ساعت‌های آموزش درس شیمی در کشور

کبری

پایگاه دیگری فرارید، لبریز از مهر

مژده که بر آگاهی ساندن مجالی در آمد

در حالی است که «ارتباط با زندگی»، «سودمندی» و «آسانی درک» ملاک‌های دیگری هستند که در کنار هم می‌تواند برای گزینش محتوای کتاب‌های درسی آینده بسیار سودمند باشد. بی‌شک فهرستی که با عینک مسلح به چنین صافی‌های تأثیرگذاری دیده شود، بسیار کوتاه‌تر از فهرست نخستی خواهد بود که به ذهن یک شیمی‌دان می‌رسد.

همچنین در عصری که فناوری اطلاعات و ارتباطات بر همه امور زندگی بشر سیطره یافته است، نمی‌توان از منابع نوشتاری، شنیداری و دیداری گوناگون موجود در شبکه جهانی وب و کارایی آموزشی اپ‌های (برنامه‌های کاربردی) متفاوت موجود در تلفن‌های همراه هوشمند نیز غافل شد. توجه به کاربست این فناوری آن هم در این ابعاد، صافی دیگری بر عینک ما خواهد افزود. با این عینک تازه، فهرست تهیه شده بر دو مبنای «نیاز فراگیران» و «ارتباط با زندگی» نیز دچار تغییر خواهد شد. به عبارت دیگر، با حذف شدن احتمالی برخی دیگر از مفاهیم شیمی، دیگر لازم نیست برای تدریس آن‌ها از صفحه‌های کتاب درسی و وقت اندک کلاس مایه گذاشت. بلکه کافی است با آموزش معلمان شیمی کشور نگرشی را در آنان تقویت کرد که از پس صافی ادراکی ایجاد شده از آن دوره آموزشی، روش‌های تدریس و ارزشیابی مناسب و متناسبی را برگزینند که بیشتر به منابع آموزشی سودمند فراتر از کتاب درسی معطوف باشد. در یک کلام، نه بر محتوا بلکه بیشتر به روش تأکید کند؛ چه در تدریس و چه در ارزشیابی.

اگرچه اتخاذ این رویکرد از نیاز به کاهش محتوا سرچشمه می‌گیرد ولی با نگاهی نوآورانه، می‌تواند چنین تهدیدی را به فرصت کم نظیری برای ایجاد تحولی تازه و رو به جلو در آموزش شیمی کشور تبدیل کرد. امید است چنین شود.

خود گذاشته بود، پی بردم. اگر چه کبری دختر ده ساله‌ای بیش نبود ولی باید یک تصمیم بزرگ می‌گرفت. بی‌شک همه ما روزی ناگزیر به گرفتن چنین تصمیم‌های بزرگی بوده‌ایم. شرایطی که امروز برنامه‌ریزان درسی با آن روبه‌رو هستند.

با کم شدن زمان اختصاص یافته به تدریس شیمی در دوره متوسطه دوم، برنامه‌ریزان درسی ناگزیر به یک انتخاب هستند، انتخابی که طی آن بایستی شمار بیش‌تری از مفاهیم و محتوای کتاب‌های درسی شیمی برای این دوره سه ساله کاهش یابد. تصمیم سرنوشت‌سازی که به هر روی مخالفان جدی خود را خواهد داشت. از این رو، بسیار ضروری است که در گام نخست برنامه‌ریزان درسی بر پایه معیارها و ملاک‌های مناسب و قابل دفاعی دست به انتخاب محتوا برای کتاب‌های درسی آینده بزنند. اگر چه در گام‌های بعدی نیز انتخاب رویکردی مناسب برای سازماندهی محتوا خود چالش دیگری است.

تجربه نشان می‌دهد که اگر برنامه‌ریزان درسی بر مبنای «ساختار مفهومی دانش شیمی» یا به عبارت ساده‌تر همان فهرست کامل مطالب ارائه شده در یک کتاب شیمی عمومی، به این گزینش اقدام کنند، در این صورت چنین تلاشی بجز ناامیدی و شکست نتیجه‌ای برای برنامه‌ریزان درسی در بر نخواهد داشت. زیرا از این منظر همه مفاهیم شیمی چون حلقه‌های یک زنجیر، لازم و ملزوم یکدیگر و از این رو جدایی‌ناپذیر هستند. اگر چه این ساده‌ترین ملاکی است که به ذهن هر کارشناسی می‌رسد ولی لاجرم باید در پی مبنای دیگری برای این تصمیم‌گیری مهم بود. بی‌تردید «نیاز فراگیران» یکی از بهترین ملاک‌ها برای این انتخاب است. اگر با این عینک به فهرست مفاهیم شیمی مقدماتی بنگریم، تصویر متفاوتی از محتوای برگزیده برای کتاب‌های درسی آینده در برابر دیدگانمان هویدا خواهد شد. این